

حل المسائل فلسفه یازدهم انسانی (چاپ ۹۷-۹۸)

درس ۱۵

کامل گام به گام درسی :

@GamBeGam-Darsi

با تشکر از آقای ناصر حسین پر

سرگروه فلسفه و منطق سراوان پدای

تهییه و تنظیم این فایل

توجه : کامل گام به گام درسی در

سایر پیام رسان ها هیچ گونه

فعالیتی ندارد

پاسخنامه فلسفه یازدهم انسانی، دروس ۱ تا ۵، سال تحصیلی ۹۷-۹۸، تهیه گننده: ناصر حسین بر، سرگروه فلسفه و منطق سراوان

درس اول

تفکر صفحه ۳

به نظر شما در این داستان:

۱- اقیانوس نماد و نشانگر چه چیزی است؟ بی کرانگی آن چه مقصودی را می رساند؟ گل جهان هستی، پنهانی بی کران جهان هستی

۲- گشتی نماد چیست؟ گرهی زمین

۳- چرا ناخدای گشتی در این داستان غایب است؟ چون ناخدا همان خدا است که با چشم ظاهر دیده نمی شود.

۴- درباره برخی عناصر داستان مانند جوان، خورشید، اقیانوس بی کران، آمدن روی عرش، تبدیل لذت به حیرت و به کجا میرویم چه می توانید بگویید؟ جوان همان فیلسوف است یا انسانی که از حالت عادی و روزمره زندگی جدا می شود، خورشید حقیقت وجود هستی، آمدن روی عرشه یعنی عبور و گذر از حالت عادی به حیرت.

نمونه یابی صفحه ۴

این جمله ها یا مشابه انها ممکن است به ذهن شما نیز رسیده باشد و درباره آن فکر کرده باشید. آیا به دنبال پاسخ آنها برآمده اید؟ آیا می توانید چند پرسش دیگر از این نوع طرح کنید؟ ۱- از کجا آمده‌ام؟ ۲- به کجا میروم؟ ۳- در آغاز جهان هستی چه کسی بوده‌ام؟ ۴- در آخر جهان هستی چه کسی خواهم بود؟

مقایسه صفحه ۵

۱- آیا میان این قبیل پرسش‌ها و مسائل مربوط به به زندگی روزمره تفاوتی میبینید؟ آن تفاوت را ذکر کنید.

الف. این مسائل کلی نگر هستند و مسائل روزمره جزئی نگر.

ب. این مسائل نیازمند به بیان گردن عقلانی هستند و وسایل روزمره نیازمند مشاهده و تجربه هستند.

۲- آیا میان این قبیل پرسش‌ها و پرسش‌هایی که در علوم ریاضی، فیزیک، حقوق و مانند آنها پیش می آید فرقی هست؟ می توانید آن فرق را توضیح دهید؟

این پرسش‌ها به بنیادی تربیت مسائل درباره ی چیستی امور می پردازند، پرسش‌های فلسفی همه ی امور را در بر می گیرند و به حقیقت انسان و جهان می پردازند.

۳- به نظر شما از میان سوال هایی که مطرح شده گدام یک مهم تر است؟ تا سه مورد را انتخاب کنید.

الف. از کجا آمده ام؟ ب- چرا آمده ام؟ ج- به کجا میروم؟

خود از مایی صفحه ۶

در این دو بیان فیلسفه‌انه و شاعرانه تامل کنید و بگویید:

۱- چه شباهت هایی میان این دو بیان وجود دارد؟

در هر دو بیان رسیدن به حقیقت و پاسخ صحیح به سوالات مطرح شده برای انسان را تحرک و پویایی و تلاش خردمندانه‌ی خود انسان می‌داند.

۲- روحیه خود را نزدیک به گدام یک می‌باید؟ سایر

تفکیک صفحه ۷

سوالات زیر را به دقت مطالعه کنید و بینید آیا می‌توان گفت برخی از آنها تفاوت خاصی باقیه سوال‌ها دارند؟ آنها را در دسته ((الف)) قرار دهید و بقیه را به دسته ((ب)) ببرید.

ردیف	سوال‌ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		*
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟	*	
۳	خداآنده‌ی چند رکعت نماز را برمای واجب کرده است؟		*
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟	*	
۵	آیا هر چیزی دارای علت است؟	*	
۶	آیا زیبایی حقیقت دارد یا ساخته ذهن ماست؟	*	
۷	پیرشدن سلوکها اثر گدام عامل شیمیایی است؟		*
۸	آیا می‌توانیم به اختیار خود موجود شویم؟	*	

تفکر صفحه ۸

به این مسئله‌ها توجه کنید، درباره هر یک از این مساله‌ها با گدام روش می‌توان تحقیق گردوبه نتیجه رسید؟

۱- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟ <><> استدلال برهانی

۲- چرا هوا در زمستان سرد می‌شود؟ <><> تجربه و از مایش

۳- چرا در دوره جدید در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟ <><> بررسی‌های اماری

۴- آیا می‌شود در این جهان خوشبختی را بدست اورد؟ <><> استدلال عقلانی

۵- آیا هر حیاتی پایانی دارد؟ <><> استدلال عقلانی و برهانی

بررسی صفحه ۹

ممکن است کسی بگوید من در حل مسائل فلسفه یا ریاضی فقط از روش های فکری و تجزیه و تحلیل منطقی استفاده نمی کنم. بلکه از دانسته های دیگران هم بهره می برم و این خودش یک روش است. آیا درباره این سخن موافقید؟ نظر خودتان را توضیح دهید.

خیر زیرا همین سوال ها درباره دانسته های دیگران نیز مطرح خواهد شد.

به کار بیندیم صفحه ۱۰

۱- گدام یک از افراد زیر بیشتر اهل تفکر فلسفی هستند؟

الف- دانش آموزی که پاسخ فیلسوفان را در ارتباط با سوالات اساسی آموخته و تکرار می کند؟

ب- دانش آموزی که در مورد آرای فیلسوفان می اندیشد و پاسخی را که به نظر خودش دلایل محکمی دارد. انتخاب می کند.

-----دانش آموز الف

۲- برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گامهایی است. این گامها بطور نامرتب در زیر آمده است، با توجه به نظر خود آنها را مرتب کنید.

-- ارایه استدلال صحیح (۴)

-- داشتن معیار برای پذیرش پاسخ (۵)

-- جست وجودی پاسخ برای سوالات (۲)

-- تشخیص مسایل مهم و موثر از مسایل فرعی و غیر مهم (۳)

-- آگاهی از مجھولات و دانسته های خود (۱)

۳- نکات اساسی مربوط به هر یک از عنوانین درس را استخراج و در جدول زیر یادداشت کنید

تفکر فلسفی	برخی انسانها توجهشان به مساله های فلسفی جلب نمی شود.	برخی انسانها از سوال های معمولی عبور می کنند و اهل تفکر در مساله های فلسفی هستند.	وروشه تفکر فلسفی یکی از نشانه های تکامل فکری انسان است.
دانش فلسفه	فلسفه یک دانش ویژه است که قوانین خاص خود را دارد.	کسی می تواند به سوال های فلسفی پاسخ دقیق بدهد که در این دانش تخصص داشته باشد.
ویژگی های فلسفه	فلسفه در موضوع و روش بادانش های دیگر فرق دارد.	موضوع فلسفه بنیادی ترین و اساسی ترین موضوعات است.	روش استدلال در فلسفه استدلال قیاسی است.

دسته بندی صفحه ۱۵/بررسی صفحه ۱۳/دسته بندی صفحه ۱۱

گزاره های فلسفی زیر، نظر برخی فیلسوفان درباره موضوعات مختلف است. روی آنها تأمل کنید و مشخص کنید که کدام گزاره ها کلی تر هستند؟ کدام گزاره هامربوط به فلسفه اولی هستند؟ نام فلسفه مضاف شاخه های مختلف فلسفه را بنویسید.

ردیف	گزاره	گزاره های جزئی تر/فلسفه مضاف
۱	انسان مدنی بالطبع است و ذات ابه زندگی اجتماعی گرایش دارد.	فلسفه علوم اجتماعی
۲	هستی یک وجود بی انتهای است و حدود مرزی ندارد.	فلسفه اولی
۳	اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد.	فلسفه سیاست
۴	زندگی را با مید به آینده بنان. زیرا جهان طراحی دقیقی دارد.	فلسفه انسان شناسی
۵	تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند.	فلسفه تاریخ
۶	انسان توانایی درگ واقعیت های هستی را دارد.	معرفت شناسی
۷	برخی از فضایل اخلاقی ذات ارزشمند هستند.	فلسفه اخلاق
۸	قانون علیت در سراسر عالم جاری و ساری است.	فلسفه اولی
۹	موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند.	فلسفه اولی

طرح پرسش صفحه ۱۳

با مشورت با یکدیگر سوال های طرح کنید که از نظر شما به فلسفه اولی مربوط می شود؟

آیا جهان هستی وجود دارد؟ آیا جهان اخرت وجود دارد؟ چرا انسان زندگی می کند؟ آیا زمان ابتدا و انتهایی دارد؟

به کار بیندیم صفحه ۱۵

علی و دوستش در مورد موضوع عام فیزیک بحث می کنند. علی معتقد است موضوع فیزیک در فلسفه تعریف و اثبات می شود. اما دوستش اعتقاد دارد فیزیک هیچ ربطی به فلسفه ندارد. زیرا خیالی از فیزیک دانان به تعریف و اثبات موضوع فیزیک پرداخته اند. نظر شما در این باره چیست؟ موقعی که دانشمند فیزیک به تعریف و اثبات ان می پردازد، آیا گار یک فیزیک دان را انجام می دهد یا وارد قلمرو علم دیگری شده است؟ نظر خود را بصورت مستدل در کلاس ارائه کنید.

دانشمند فیزیک در تعریف و اثبات مسائل آن وارد قلمرو علم فلسفه علوم تجربی می شود و اصول و مبانی فلسفه علوم طبیعی را به گار می گیرد.

درس سوم

تفکر صفحه ۱۹

هراگلیتیس می گوید.

۱-((تو نمیتوانی دوبار در یک رودخانه شنا کنی زیرا هربار آبهای تازه ای بر تو می گذرد.))

۲-((برای انسان خوب نیست که به هر چه میل دارد به آسانی برسد. بیماری است که تندرستی را خوشایند می کند، بدی نیکی را، گرسنگی سیری را و خستگی آسایش را))

---درباره این دو جمله هم اندیشه کنید و نکات فیلسوفانه آن را مشخص نمایید.

جمله اول در مورد فلسفه نظری است که هراگلیتیس جهان را متحرک میداند در حالی که نزد فلسفه قدیم بسیاری از اجزای عناصر جهان طبیعت ثابت بوده اند.

جمله دوم مربوط به فلسفه عملی است که رشد انسان را در سختی ها و رنج ها مقدور می دارد و می گوید که روح و بدن انسان با سختی ها رشد می کند.

تفکر صفحه ۲۰

این پاسخ ها، تعدادی از پاسخ های فیلسوفان اولیه به یک سوال اساسی بود. این سوال امروزه نیز همچنان مطرح شده است و دانشمندان و فیلسوفان به دنبال پاسخ دادن به آن هستند.

---چرا اولین فیلسوفان یونان این گونه به این سوال پاسخ دادند؟

فیلسوفان اولیه از ابزار و امکانات اندکی برخوردار بودند ولذا ماده اولیه جهان را آب و آتش می دانستند. همچنین این فلسفه حقیقتی را درک کرده بودند که نمی توانستند آن را به زبان علمی آن روز بیان کنند و در واقع از زبان رمزی استفاده می کردند.

---آیا این پاسخ ها می توانند ناشی از دانش اندگ فیلسوفان اولیه باشد؟ خیر

---آیا در پشت این پاسخ ها نکات پیچیده تری هم نهفته است؟ بله

---نظر شما در این باره چیست؟

چون عناصری مانند آب و آتش برای زندگی موجودات دارای اهمیت ویژه ای بودند که بدون آنها زندگی موجودات امکان پذیر نبود.

اندیشه صفحه ۲۱

آیا می توانید این استدلال پارمندیس درخصوص حقیقت واحد بودن جهان را گامل کنید؟

اگر چیزی بوجود آید یا از وجود به وجود می آید یا از لا وجود .

اگر از وجود به وجود آید در این صورت قبله هست .

اگر از لا وجود به وجود آید در این صورت اصلا وجود ندارد و هیچ است.

زیرا هیچ چیز بوجود نمی آید .

بنابراین وجود هست و واحد است.

به کار بیندیم صفحه ۲۲

۱- فیلسوفان قبل از سقراط چگونه همه تغییرات عالم را براساس ماده اولیه تبیین می کردند؟ بهتر است به صورت یک گارپژوهشی توسط دانش آموزان انجام گیرد.

۲- برای پذیرش هر دیدگاه چه معیار و ملاکی باید مدنظر قرار گیرد؟ هر دیدگاهی وقتی پذیرفته می شود که از پشتونه استدلال برخوردار باشد.

درس چهارم

بررسی صفحه ۲۴

۱- چرا ماهیگیر از پیشنهاد تاجر استقبال نکرد؟

الف- ماهیگیر نمی داند که آینده‌ی خوبی در انتظار اوست ماهیگیر در محدوده روستای خود فکر می کند اما تاجر نگاه جهانی دارد . ب- ماهیگیر به دنبال مادیات نیست و از جمع کردن ثروت خوشش نمی آید .

۲- چه تفاوتی میان دید گاه تاجر و ماهیگیر به زندگی وجود دارد؟

الف- ماهیگیر اهل فعالیت‌های پر خطر و ریسک نیست اما تاجر هست . ب- ماهیگیر نمی داند تاجر عمرش را برای چیزی تلف کرده است که او از ابتدا دارد . ج- زندگی برای ماهیگیر خیابی ساده و ابتدا ای است . اما تاجر نگاه پیشرفت‌هایی به زندگی دارد .

۳- آیا در پشت این دو نگاه بنیان‌های متفاوت فکری نیز وجود دارد؟

بله زندگی بر اساس پیشنهاد تاجر رسیدن به نقطه‌ی اول است و برای تاجر بعدمادی زندگی مهم است و برای ماهیگیر زندگی به معنای بودن در کنار دیگران و مهربانی با آنهاست . اگر کسی بخواهد مانند تاجر بیاندیشد تمام ماهی‌های جهان نابود می شوند .

بررسی صفحه ۲۷

با توجه به تمثیل غار افلاطون .

۱- گذر از یک وضع عادی و رسیدن به حقیقت برتر در پرتو چه چیزی به دست می آید؟

استفاده از تفکر و تعقل به جای تقليد و دنباله روی از دیگران. رهابی از نجیرعادت

۲- رنج رسیدن به حقیقت شیرین تر است یا راحتی ماندن در نادانی؟

رنج رسیدن به حقیقت.

۳- چرا افلاطون ماندن در نادانی و عدم درگ حقیقت را به زندانی در بند تشبيه کرده است؟

نادان زندانی در توهمنات و محدوده دیداو کوچک است. آرزوهای او کوچک است و ابزار دست اطرافیانش می شود و تمام این حالات در انسان خردمند برعکس است.

بررسی صفحه ۲۸

((زندگی برخی فیلسوفان نشان می دهد گه آنها سرگرم بحث های انتزاعی خود بوده اند و کاری به زندگی واقعی مردم نداشته اند پس چرا ما از آنها دنباله روی می کنیم؟))

--- آیا جمله بالا از نظر شما درست است یا غلط؟ اگر درست است دلیل خود را توضیح دهید اگر غلط است جهت مغالطه را مشخص کنید و آن را توضیح دهید.

از اینکه برخی فیلسوفان کاری به زندگی اجتماعی اطراف خود نداشتند نمی توان نتیجه گرفت که همه ای فیلسوفان این گونه بوده اند.

تفکر در اندیشه ها صفحه ۲۸

عبارت های فلسفی عمیقی از برخی اندیشمندان باقی مانده که باور و پذیرش آنها بر زندگی ما تاثیر می گذارد. به این عبارت توجه کنید:

۱- تولد و مرگ ما در اختیار ما نیست اما فاصله بین آن دورا ما تکمیل می کنیم.

۲- هیچ کس نمی تواند به عقب برگردد و از نشروع کند اما همه می توانند از همین حالا شروع کنند.

۳- پرواز را بیاموز نه برای این که از زمین جدا باشی، برای آنکه به اندازه فاصله زمین تا آسمان گسترده شوی.

۴- در مقابل مشکلات خم به ابرونیاور، کارگر دان همیشه سخت ترین نقش را به بهترین بازیگر می دهد.

نکات هریک از جملات

۱- الف- اختیار انسان مطلق نیست و در محدوده خاصی است ب- تصمیم گیری ما پرکننده‌ی حیات ما از تولد تا مرگ است.

۲- الف- گذشته انسان تکرار پذیر نیست. ب- انسان اختیار گذشته را ندارد. ج- همواره توانایی تغییر وجود دارد.

۳-الف- جداشدن از جایی و آمدن به جایی دیگر به معنای از دست دادن جای اولیه است. ب- کمال آن است که در عین حفظ امکانات قبلی امکانات جدید هم کسب شود. ج- آدمی باید همه‌ی مراتب وجود را داشته باشد. د- تواضع و بودن با دیگران ثمره حقیقی علم است.

۴-الف- جهان مدیری حکیم دارد که هیچ حقی را ضایع نمی‌کند. ب- زندگی با مشکل و سختی همراه است و رشد کامل بازیستن در دل سختی‌ها بدست می‌آید. ج- مشکلات بزرگ زندگی برای کسانی هستند که همت بزرگ دارند.

تامل صفحه ۳۰

الف- کدام یک از ابیات زیر تامل برانگیز تر است و توجه شمارا بیشتر جلب می‌کند؟

آنکه آورد مرا باز برد تا وطنم

۱- من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

۲- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

در جستجوی یار به عالم دویده اند

۳- عالم ظهور جلوه یار است و جاهلان

به کجا میروم آخر؟ ننمایی وطنم؟

۴- از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟

نکات ابیات

۱- محدود بودن قدرت اختیار انسان، فوق طبیعی بودن حقیقت وجود انسان و بازگشت انسان به جایگاه حقیقی.

۲- تفکر در آفاق و انفس، شگفتی‌های جهان هستی، مشابهت انسان غیر متغیر به جامدات.

۳- نشانه بودن جهان برای خدا، جلوه خدا و ظهور خدا بودن هستی، بیراهه رفتن گروهی و نرسیدن امها به حقیقت.

۴- طرح سوال اساسی از کجا آمده ام؟ و هدف خلقت چیست؟ وطن حقیقی انسان در جهان برتر.

به کار بیندیم صفحه ۳۱

رابطه فلسفه و زندگی را بر اساس سوالات زیر ترسیم کنید و پاسخ‌های خود را با دوستانتان مقایسه گنید.

۱- بر اساس تمثیل غار افلاطون بزرگ ترین زندان بشر چیست؟

افلاطون در تمثیل غار انسان معمولی رانسانی تصور می‌کند که در غاری زندانی است و توانایی عبور از وضع موجود را ندارد. او انسانی است که به همین مشاهدات محسوس قناعت می‌کند و همین دنیا و عالم محسوس را حقیقت تلقی می‌کند و چشمش به روی مراحل دیگر عالم باز نشده است.

۲- راه نجات از این زندان بر اساس تمثیل غار چیست؟

الف- در آمدن از سکون ب- بلند شدن از جای خود ج- تحمل رنج اولیه برای عبور و رسیدن به حقیقت

۳- چرا زندانیان محبوس در غار سخنان کسی را گه بعد از رها شدن از زندان به سوی آنها برگشته بود قبول نمی کردند؟

آدم های معمولی چون اهل تفکر نیستند، همین وضع موجود را بیشتر می پسندند و از تغییر و تحول بیزارند، آنها به وضع موجود عادت کرده اند و هر کس بخواهد عادت را به هم بربزد برای آنها سخت و دردآور است.

درس پنجم

تفکر در متن صفحه ۳۶

سقراط الگویی از یک فیلسوف است که بر اساس فلسفه اش زندگی کرده و در راه پایبندی به آن جان خود را فدا نموده است. در این قسمت می خواهیم در گفتار و رفتار این فیلسوف بزرگ تامل کرده و آن اصول فلسفی را گه وی با آنها زندگی کرده استخراج نماییم.

۱- چرا شاکیان سقراط را متهم به بی دینی و انکار خدا می کردند. آیا واقعاً اعتقادی به خدا نداشت؟

سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سروش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام هایی می آورد تا با مردم در میان بگذارد و او به مغالطه و فریب وزیر پا گذاشتن ارزش های اخلاقی اعتراض داشت.

۲- نگاه سقراط به جهان هستی چگونه بود و به چه اصولی درباره جهان اعتقاد داشت؟.

او اموری مانند خورشید و ماه را خدای جهان نمی دانست و به خدایی معتقد بود که از دیده ها نهان است و برترین است و برای این اعتقاد خود استدلال می کرد.

۳- چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی میدانست؟ آیا میان چیزی نمیدانیم سقراط با چیزی نمیدانیم سوفسٹائیان تفاوتی هست؟

از نظر سقراط و هر انسان خردمندی ندانستن عیب است و دانستن از بزرگترین فضایل انسانی است و بزرگترین کار سقراط مبارزه با حجه می بود و همچنین او با فخر فروشی از طریق علم بشدت مخالف بود. نمیدانم سقراط یعنی خود شناسی و نمیدانم سوفسٹائیان یعنی نمیخواهم خود را بشناسم.

۴- وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی میتوانیم مشاهده کنیم؟

الف- برتری فضیلت به ثروت ب- فداکاری در راه حقیقت ج- تحمل رنج برای آگاهی مردم د- نترسیدن از مرگ
ه- احساس تواضع در برابر علم و دانایی

۵- دلیل سقراط برای نترسیدن از مرگ چه بود؟ مرگ از نظر او خوب است یا بد؟ آیا برداشت اواز مرگ با واقعیت هماهنگی دارد؟ او مرگ را یک انتقال به جهان دیگر می دانست که اگر این انتقال با سربلندی و عزت باشد شیرین است اما اگر با خواری و ترس و جله باشد تلخ است.

۶-الف-چرا سقراط خود را در برابر جامعه آتن مسئول می دید؟

سقراط از جانب خداوند خود را مامور میدانست که بیدار ساختن مردم و تلاش برای رها ساختن آنان وظیقه اش بود.

ب-یک فیلسوف چه زمانی مرگ را بر زندگی ترجیح میدهد؟ او باید یا ادعای سوفسطائیان را می پذیرفت که جوانان را گمراه می گندیا دست از آگاهی بخشی بر می داشت یا باید نتیجه حق خواهی و پیروی از حقیقت را که مرگ بود تحمل می کرد.

ج-آیا میان فلسفه سقراط و زندگی وی ارتباطی هست؟

سقراط دقیقا براساس فلسفه اش زندگی می گرد و برای زندگی خود فلسفه ای داشت و دقیق‌تر دانست که چه می گند.

۷-مهم ترین درسی که از زندگی سقراط میتوان گرفت چیست؟ الف-ترسیدن از مرگ
ب-تلاش برای از بین بدن جهل و نادانی

۸-چرا نمی توان فلسفه سقراط را از زندگی او جدا کرد؟ چون زندگی هیچ کس از فلسفه او جدا نیست با این تفاوت که بسیاری از افراد فلسفه‌ی روشنی ندارند و در نتیجه زندگی با برنامه و با هدف را دنبال نمی کنند اما اگر کسی به فلسفه ای روشن رسیده باشد و به آن معتقد باشد حتما تحت تاثیر آن زندگی خواهد کرد.

تفکر صفحه ۳۷

در آتن عصر سقراط، مرسوم بود که متهمان کودکان گریان خود را به دادگاه ببرند تا با این کار باعث رقت قلب قضات شوند. وقتی دوستان سقراط ازوی خواستند که او هم چنین کاری کند، گفت (چنین صحنه هایی متهم و دادگاه را به یک اندازه مفسح کمی کند. من وظیفه خود می دانم که قضات را مجاب کنم، نه اینکه آنها را ترحم و ادارم).

این روش سقراط برای مبارزه با کدام نوع از مغالطه هایی است که در درس دهم کتاب منطق با آنها آشنا شده اید؟ مغالطه توسل به احساسات

به کار بیندیم صفحه ۳۸

۱-این شعر فردوسی را که میگوید: توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر بربنا بود
با این دید گاه سقراط که همه بدی ها در جهل ریشه دارند مقایسه کنید و شباهت ها و تفاوت های انها را ذکر کنید. آیا تجربه شما در زندگی هم همین را می گوید؟

هم سقراط و هم فردوسی بر ارزش مندی علم تاکید کرده اند سقراط به تاثیر گزاری اخلاقی علم توجه کرده است و فردوسی به جنبه‌ی توانایی بخش علم توجه کرده است.

۲-به چه دلیل نمیدانم سقراط جایگاه ویژه ای در تفکر فلسفی دارد؟ سقراط برای رسیدن به این نمیدانم باید چه ویژگی هایی به دست می اورد؟ دانشمندی میتواند عبارت نمیدانم را بر زبان جاری کند که عظمت جهان را درک کندو به بزرگی خالق آن پی برده باشدو در برابر بزرگی خالق و عظمت جهان تواضع کند.